

اسناد تاریخی

وثیقه اتحاد اسلام نادری

همه میدانیم که نادرشاه افشار از همان اوان سلطنت یا بعلت کینه نسبت بصغویه و قزلباشان شیعه که جان نثار آن خاندان بودند یا باین نظر که میخواست ایرانیان نیز قبول مذهب تسنن کنند و بین ایشان و مسلمین ترکستان و افغانستان و عثمانی اتحاد مذهبی برقرار شود دربرانداختن راه و رسم مذهب تشیع و نزدیک کردن ایرانیان باهل سنت و جماعت سعی وافر داشت و درمجلس موغان که خود در اسفند ۱۱۲۸ قمری ترتیب داده بود و در همانجا نیز بسلطنت اختیار شد خطاب بنمایندگانی که از جمیع بلاد برای شرکت در آن مجلس خواسته شده بودند گفت که: «از زمان حضرت پیغمبر چهار خلیفه بعد از یکدیگر متکفل امر خلافت شده اند و هند و روم و ترکستان همگی بخلافت ایشان قائلند و در ایران هم سابقاً همین مذهب رایج و متداول بوده. شاه اسماعیل صفوی این مذهب را متروک و مذهب تشیع را شایع داشت بعلاوه نسب و رفض را در السنه و افواه عوام و اوباش دایر کرد و شرر شرارت برانگیخت و خاک ایران را بخون فتنه و فساد آمیخت. مادام که این فعل مذموم انتشار داشته باشد این مفسده از میان اهل اسلام رفع نخواهد شد. هرگاه اهالی ایران بسلطنت ما راغب و آسایش خود را طالب باشند این ملت را که مخالف مذهب اسلاف گرام و خاندان ماست تارک و بمذهب اهل سنت و جماعت سالک شوند لیکن چون حضرت امام جعفر صادق ذریه رسول الله و طریقه ایران بمذهب آن حضرت آشناست او را سر مذهب خود ساخته در فروعات مقلد طریقه و اجتهاد آن حضرت باشند»

نمایندگان از ترس جان این حکم را قبول کردند و وثیقه‌ای برای توکید و استقرار این مطلب مرقوم و مهر نمودند و بخزانة نادری سپردند.

نادر این وثیقه را همراه سفیری پیش سلطان عثمانی فرستاد و پنج پیشنهاد باو کرد که در صورت قبول با او بعقد صلح پردازد:

۱- چون مردم ایران از عقاید گذشته نکوگ کرده و طریقه اهل سنت را بتقلید امام جعفر صادق اختیار و قبول نموده اند قضاة و علما و افندیان روم هم اذعان صحت آنرا کرده آنرا خامس مذاهب خود بشمارند.

۲- چون در کعبه ارکان اربعه مسجد الحرام بائمه مذاهب تعلق دارد این مذهب نیز دریگ رکن با ایشان شریک بوده بآیین جعفری نماز گزارند،

۳- هر ساله از طرف ایران امیرحاج تعیین شود که بطریق امیرحاج مصر و شام حجاج ایران را بکعبه رساند و دولت عثمانی با امیرحاج ایران نیز بدستور امیرحاج مصر و شام سلوک کند.

۴- اسرای دو دولت نزد هر کس باشد مطلق العنان و آزاد بوده بیع و شری برایشان روا نباشد.

۵- و کیلی از دولتین در پایتخت یکدیگر باشد تا امور مملکتین را بروفق مصلحت فیصل دهند.

نادرشاه این پیشنهادها را همراه عبدالباقی خان زنکنه بدربار سلطان عثمانی فرستاد و سفیر او بتاریخ ربیع الآخر ۱۱۴۹ باستانبول رسید.

رجال عثمانی از پیشنهادهای نادر ابتدا مواد راجع بمبادلۀ اسرا و فرستادن سفرا را پذیرفتند و بعد از اصرار نماینده ایران قبول کردند که ماده راجع با امیرحاج را نیز بپذیرند ولی از قبول مذهب جعفری بعنوان خامس مذاهب اهل سنت و تعیین رکنی در خانۀ کعبه جهت نماز ایرانیان استنکاف نمودند و قبول آنها را بدعت در دین شمردند و صورت معاهده ای را در باب مسائل سیاسی و گمرکی و حدود ملکی تهیه

نموده بهمراهی دو نفر سفیر پیش نادر که مشغول محاصره قندهار بود فرستادند. نادر سفرای مزبور را در حوالی نادرآباد قندهار پذیرفت و چون دید که اصل مقصود او را عثمانیها نپذیرفته اند علیمردان خان بیگلریگی لرستان را با سفرای عثمانی بتاريخ صفر ۱۱۵۱ باستانبول روانه کرد و در باب قبولاندن پیشنهاد های سابق خود تأکید نمود.

در ماه ذی القعدة سال ۱۱۵۴ باردیگر دو نفر نماینده از جانب سلطان عثمانی بخدمت نادرشاه آمدند و نامه ای از سلطان برای او آوردند که در آن از طرف سلطان عثمانی صریحاً قبول مذهب جعفری بعنوان خاص مذاهب اهل سنت و تفویض رکنی در کعبه استنکاف شده بود.

نادر جوابی مؤدبانه بسطان عثمانی داد و با اینکه آن جواب ظاهراً دلالت بر اتحاد بین اتنین داشت نیز مشعر بر عزم نادر بحرکت بطرف خاک عثمانی و قبولاندن پیشنهاد های خود بزور بود و چون نادر میخواست که خود را طرفدار رفع خلاف و تقار بین مسلمین قلمداد کند اهرداد که در قلمرو او از حد در بند و قفقازیه تا پشاور هر کس بیخلفای اربعه بدگوید او را بسختی تنبیه کنند.

در اوایل سال ۱۱۵۶ نادر پس از مراجعت از داغستان بصرای موغان آمد و در آنجا نصرالله میرزا و شاهرخ میرزا و امامقلی میرزا که از خراسان احضار شده بودند بخدمتش رسیدند و چون عزم حمله بخاک عثمانی را داشت تسویخانه خود را بکرمانشاه فرستاد.

احمد پاشا والی بغداد که مردی مدبر و محیل بود از در اطاعت درآمد. نادر عده ای را بتصرف نجف و کربلا و حله فرستاد و آن نقاط را بسهولت گرفت و خود نیز موصل و کرکوک را مسخر ساخت و دولت عثمانی بناچار از در صلح درآمد و قرار شد که در باب مسائل مذهبی و رفع اختلافات سابقه طرفین مجدداً گفتگو کنند.

نادر در شوال ۱۱۵۶ بعتبات عالیات رسید و زیارت اماکن مشرفه در کربلا و نجف و کاظمیه رفت و قبر ابوحنیفه را نیز در بغداد زیارت کرد سپس علمای شیعی و سنی کربلا و حله و بغداد و کاظمیه را بنجف خواست تا با علمای ایران و بلخ و بخارا و افغانستان که به‌مراه آورده بودند بنشینند و گفتگو کنند و موارد اختلاف بین اهل دو



تصویر قلمی نادرشاه افشار

مذهب را برطرف سازند، این مذاکرات که حسب الامر نادرشاه و در اردوی او در نجف جریان داشت در ۲۴ شوال ۱۱۵۶ خاتمه یافت و در آن باب و بقیه نامه ای بانشاء میرزا مهدی خان منشی الممالک نادر مؤلف درّه نادره و جهان گشای نادر

نوشته شد و علمای فریقین آن را مهر کردند .

ترتیب و تصدیق آن وثیقه باین شکل بود کہ اول علمای ایران آن نوشته را مهر نمودند سپس علمای عتبات چه شیعی چه سنی مضمون آنرا تصدیق و مهر نمودند بعد علمای ماوراءالنہر سپس علمای افغان و در آخر وثیقه مفتی بغداد بحقیقت اسلام مردم ایران تصدیق دارد .

عین وثیقه با مختصری از شرح مقدمات آن در جهانگشای نادری ضبط است ولی تفصیل مشروح آنرا ابوالبرکات عبداللہ بن حسین سویدی (۱۱۰۴-۱۱۷۰) از علمای بغداد کہ خود در مناظرات بین علمای شیعه و سنی شرکت داشته و از امضا کنندگان آن وثیقه است در دو کتاب از تألیفات خود نوشته یکی « کتاب النہجۃ المسکیة فی الرحلة المکیة » دیگری در کتاب « الصحیح القطعیة لاتفاق الفرق الاسلامیة » و این دو کتاب ہر دو در مصر بچاپ رسیدہ است .

چنانکہ پیش ہم گفتیم این وثیقه کہ نسخہ ای از آنرا در ضریح امام اول شیعیان در نجف گذاشتند و نسخہ های دیگری از آنرا ببلاد دیگر اسلام فرستادند بانشاء میرزا مہدیخان استرابادی منشی نادرشاه بود و میرزا مہدیخان متن آنرا در جهانگشای نادری آورده اما آنچه از این وثیقه در نسخہ های چاپی و چند نسخہ خطی از آن کتاب کہ نگارندہ دیدہ ام آمدہ ناقص و مفشوش است باین معنی کہ اولاً اسامی علمائی کہ آنرا از طرف مردم ایران و عراق عرب و ترکستان و افغانستان امضا کردہ اند در جهانگشا نیست ثانیاً تصدیق علمای عراق کہ بعد از مہر و امضای علمای ایران آمدہ با اصل وثیقه مخلوط شدہ همچنین تصدیق علمای بخارا و بلخ کہ بعد از تصدیق و مہر و امضای علمای عتبات بودہ با این قسمت اختلاط یافته ثالثاً تصدیق و امضای علمای افغانہ اصلاً از آن افتادہ و تصدیق احمد پاشا والی بغداد و مہر و امضای افندی یاسین

۱- برای شرح حال سویدی رجوع کنید بکتاب « المسک الأذفر » تألیف محمود

شکری آلوسی جز ہاول صفحه ۶۰-۶۱ چاپ بغداد و مجمع المطبوعات العربیہ من ۱۰۶۶-۱۰۶۸

مفتی بغداد نیز از آن ساقط است.

دوست فاضل ما آقای حاج محمد آقا نخجوانی که ذوق طلب علم را با کرم و جوانمردی توأم دارند از روی مجموعه‌ای نسخه کامل این وثیقه را سواد برداشته و از راه لطف آنرا برای نشر در یادگار تحت اختیار ما گذاشته‌اند. ما هم با اظهار کمال تشکر از معظم له عین آنرا برای خدمت بتاریخ و تکمیل نسخه‌های جهانگشای نادری در اینجا عیناً نقل میکنیم و آن اینست:

غرض از تحریر این نسیقه و تزییر این وثیقه آنست که چون بعد از بعثت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و علی آله و اصحابه اجمعین هریک از صحابه راشدین در ترویج دین مبین بیند نفوس و اموال اشاعه مساعی مشکوره و مجاهدات مبروره کرده پیرایه بوش تشریف نزول آیه وافی هدایه: «و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار» گردیدند و بعد از رحلت جناب سیدالاربرار بنای خلافت باجماع صحابه کبار که اهل حل و عقد کار است بوده‌اند برخلیفه اول ثانی اتین اذهما فی الغار صدر نشین مسند خلافت احمد مختار ابو بکر صدیق رضی الله عنه و بعد از او بنص و نصب اصحاب بر فاروق اعظم مزین المنبر و المحراب عمر بن خطاب و بعده بشوری و اتفاق بجناب ذوالنورین عثمان بن عفان و بعد از او بحضرت اسدالله الغالب مظهر المعائب علی ابن ابی طالب علیه السلام قرار یافته و هریک از خلفای اربعه در مدت خلافت خود با هم ناهج مناهج التیام و ائتلاف و معرّی از شوائب اختلاف بوده رسم مصادقت ملحوظ و حوزه ملت محمدیه را از تطرق شرکت و کین کفر مصون و محفوظ میداشته‌اند.

بعد از انقضای آن مدت که خلافت بنی امیه و بعد از آن بنی عباس انتقال یافت ایشان نیز بهمین نیت و عقیده باقی و بخلافت خلفای اربعه قایل بوده‌اند تا اینکه در سال نهصد و شش که شاه اسمعیل صفوی خروج و بر معارج سلطنت عروج کرد بتعلیم علمای آذربایجان و اردبیل و گیلان تزییر نقد حقیقت خلفای ذیشان و اهاله قلوب از مطاوعت و متابعت ایشان کرده بعلاوه آن سب و رفض را که خامه اسله اللسان از

هجنت ذکر آن زبان صریح در کام خاموشی میکشد شایع و در منابر و مساجد ازین گونه اقوال اعلان فظایح گردید و بعد از شیوع این معنی اهل سنت و جماعت نیز در اطراف آغاز معادات و ترک مصافات کرده نهب و اسر این فرقه را مباح میدانستند بحدی که اسرای امت خیرالوری در فرنگ و باقی ولایات عرضه بیع و شری گشتند و این حادثه شغاه تا ایام خاقان مغفور و پادشاه مرور شاه سلطان حسین متداول و معمول میبود تا اینکه رفته رفته ترکمانیه دشت و بعد از آن افغانه قندهار و همچنین رومیه و روسیه از اطراف رخنه در بنیان ممالک ایران انداخته و اساس سلطنت و مملکت را ویران کرده قلع و استیصال ایرانیان را بر خود لازم دانستند.

چون مشیت مالک الملک ازل و پادشاه لم یزل بامری تعلق گیرد اسباب آن از پرده کمون بساحت شهود و بروز می آید لهذا کوکب ذات بیهمال و نیر وجود سعادت اشتمال اعلی حضرت قدر قدرت کیوان مهابت مرئیخ صلابت ملجأ السلاطین و مرجع الخواقین چراغ افروز دودمان رفیع الشأن ترکمانیه، کشور آرای عرصه جهان بتأییدات سبحانیه تاج بخش ملوک ممالک هند و توران ظل سبحان نادر دوران خلد الله ملکه و سلطانه بنحوی که در تاریخ نادری و تواریخ هند و ترک تفصیل حال خجسته مآلش مذکور و مسطور است از مطلع ملک ایورد آغاز طلوع و بنیاد سطوع نموده ظلمت زدای ساحت ایران گشته ممالکی را که باقتضای انقلاب دهر بتصرف غیر در آمده بود بزور بازوی تأیید الهی و قوت سر پنجه ظل الهی انتزاع و کسر بنیان شوکت ارباب نزاع و عناد نمود تا اینکه در سال هزار و صد و چهل و هشت در شورای کبرای صحرای مغان که عموم و ضیع و شریف ایران را احضار و مجلس مشورت انعقاد دادند که آن جماعت هر کس را که خواهند بسلطنت اختیار نموده بنائی در کار خود بگذارند اهالی ایران دست در دامن ابرام و الحاح زده عرض کردند که پادشاهی و سلطنت را خداوند عالم بآن حضرت و آن حضرت را بما کرامت کرده و ما را اختیاری در تغییر حکم الهی نیست و این سلطنت حق آن جنابست بنحوی که از روز

اول صیانت حال ایشان را از چنگ دشمنان قوی رهائی داده اند باز در مقام محارست ایشان باشند و ستمدیدگان ایران را بامید دیگری نگذارند .

اعلیحضرت شاهنشاهی نیز بالهام آلهی فرمودند که هر گاه اهالی ایران بسلطنت مآراغب و آسایش خود را طالب باشند در صورتی این مسؤل تلقی بقبول و مقرون بحصول خواهد شد که این آثار مبتدعه که مخالف مذهب اسلاف کرام و آباء عظام نواب همایون ماست تارك و بر منہج حقیقت خلافت خلفای راشدین قائل و سالک شوند ایشان نیز از راه حقانیت بدون شایبه انانیت متفق الراء این حکم قدسی را بسمع اذعان اصغاء نموده وثیقه برای توکید و استقرار این مطلب مرقوم و بمهر پاك اعتقادی مختوم ساخته بخزانة عامره سپردند .

اعلیحضرت شاهنشاهی نیز درازاء ابن معنی ایلچی روانة دولت عثمانیه کرده از اعلیحضرت سلیمان حشمت باسط بساط امن و امان ناشر رایات ان الله یامر بالعدل و الاحسان سلطان البرین و خاقان البحرین و خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذوالقرنین داور دار ارایت کیخسرو و غلام و خدیو گردون شکوه انجم احتشام پادشاه اسلام پناه روم ایدالله بقاءه طالب پنج مطلب شدند :

اول - اینکه اهل ایران چون از عقاید سابقه نکول و مذهب جعفری را که از مذاهب حقه است اختیار و قبول کرده اند قضاة و علماء و افندیان کرام روم اذعان کرده آنرا خامس مذاهب شمارند .

دوم - اینکه چون در کعبه معظمه ارکان اربعه مسجد الحرام بائمه مذاهب اربعه تعلق دارد ائمه این مذهب نیز در رکن شافعی با ایشان شریک بوده بعد از ایشان علیحده با امام خود بآئین جعفری نماز بگزارند .

سیم - آنکه هر سالی از طرف ایران امیر حاج تعیین شود که بطریق میر حاج مصر و شام در کمال اعزاز و احترام حجاج ایران را بکعبه مقصود رسانیده در دولت علیه عثمانیه امیر حاج ایران تالی امیر حاج مصر و شام باشد .

چهارم- اسرای دو مملکت نزد هر کس بوده باشد مطابق العنان و آزاد بوده ببع و شری بر ایشان روا نباشد.

پنجم- آنکه وکیل از دولتین در پای تخت یکدیگر بوده و امور مملکتین را بر وفق مصلحت فیصل میداده باشند که باین وسیله رفع اختلاف صوری و معنوی از میان امت محمدیه گشته من بعد بمقتضای انما المؤمنون اخوة رسم الفت و برادری فیما بین اهالی روم و ایران مسلوك باشد.

اهنای دولت ابد پیوند عثمانی چند مطلب را که عبارت از تعیین میرحاج و اطلاق اسرای جانبان و بودن وکیل در مقر بوده باشد قبول و مذهب جمعری را تصدیق کرده باقی موارد را بمحاذیر شرعیه و معاذیر ملکیه موقوف ساخته بودند. ایلچیان دیشان بخصوص این مطلب از طرفین آمد و شد کرده از آن طرف مقدمات عذر و از این جانب بیراهین ساطعه و حجج قاطعه و افهام جواب میشد.

چون در عرض ۷ و ۸ سال این مقدمات بآمد و شد سفراء صورت انجام نیافت در این سال خجسته فال تنگوزمیل مطابق سنه یک هزار و صد پنجاه و شش بوده باشد موکب همیونی قآنی و اردوی ظفر مقرون خاقانی با غازیان کا صاحب دین بعزم اینکه در خاک روم با آب گفتگوی محلی از هوای نفسانیت آتش فتنه را منطقی و مایه فساد و نزاع را از میان اهل اسلام منتفی گردانند حرکت و از تمامی ممالک ایران و بلخ و بخارا شیوخ اسلام و قضاة کرام و علمای اعلام را برای مذاکره و مقاوله این امور بموکب منصور احضار و برسم مهمانی متوجه آن سرزمین گردیدند که مطالب معهوده را با مقدمه ملک موروثی طی نمایند و در این وقت که در نجف اشرف بقیه بوسی و تقییل تراب روضه علیه غرویه فائز و مشرف گردیدند و جمعی از علمای نجف اشرف و کربلای معلی و محال و توابع بغداد را در حوزه گفتگو حاضر ساخته مجدداً امر همایون بمن نفاذ پیوست که لله الحمد در مذاهب اسلام هیچگونه قصوری و فتوری واقع نیست الا فیئادی که از بدو دولت صفویه در میان امت نبویه شیوع یافته.

علمای کرام که دعایم اسلامند با یکدیگر مجلس محاوره و مذاکره آراسته مشرب عذب ملت نبوی را از لای شکوک و شبهات تصفیه کرده آنچه زلال حق و رشاد و ماء معین صفوت نمای صواب و سداد است اختیار نمایند لهذا مأمورین بنهج مقرر در درگاه عرش اشتباه حضرت یعسوب الدین و امام المتقین بطی مقالات و اظهار عقاید پرداخته حقیقت ماجری بنهجی است که در مشهد شریف بشهادت آن حضرت نگارش می باید: عقیده اسلامیة داعیان دوام دولت قاهره و نادره علمای ممالک ایران آنکه بعد از رحلت حضرت سید المرسلین خلافت باجماع امت بر جناب خلیفه اول ابابکر صدیق رضی الله عنه و بعد از او بنص آن جناب و اتفاق بر فاروق اعظم عمر بن خطاب رضی الله عنه و بعد بشوری و اتفاق بنی النورین عثمان بن عفان و بعد بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قرار یافت و بقضای آیه وافی: «والسابقون الأولون من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان» رضی الله عنه و رضوا عنه و بقضای آیه شریفه: «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یباعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم» و حدیث شریف: «اصحابی کالنجوم باهم اقتدیتم اهتدیتم» خلیفه برحق و مربوط و مواصلت فیما بین ایشان محقق بوده همه با یکدیگر رسم موافقت بی شائبه مغایرت و منافرت مسلوک میداشته اند و بحدی رسم مؤاخاة فیما بین ایشان مرعی بوده که بعد از رحلت خلیفه اول و ثانی از دایره دنیا از جناب مرتضوی سؤال حال ایشان کردند، آن حضرت فرمودند: «امامان قاسطان عادلان کانا علی الحق ومانا علی الحق» و خلیفه اول نیز در شأن خلیفه رابع می فرمود: «لست بخیرکم وعلی فیکم» و خلیفه ثانی در حق آن جناب می فرمود: «لولا علی لهلك عمر» و نظایر این که دلالت بر کمال رضامندی ایشان از یکدیگر دارد بسیار است که مستغنی از بیان و تذکار است.

در سال نهصد و شش هجری که شاه اسمعیل صفوی خروج نمود اشاعه سب و رفض نسبت بخلفاء ثلاث نمود، این معنی منشأ ظهور فساد و نهب اموال و اسر عباد گردیده مورث مباحضات و معادات فیما بین اهل اسلام شد تا اینکه بمقتضای «قل اللهم

مالک‌الملك تونی‌الملك من تشاء، شاهنشاه عالم پناه برتبه سلطنت و جهانداری فائز گشته بنحوی که در فوق مذکور شد در شورای صحرای مغان از این داعیان استکشاف نمود، ما نیز عرض عقاید اسلامی خود کرده بودیم و حال آنکه در روضه مقدسه علیه علویه از داعیان مجدد استفسار فرموده‌اند عقاید اسلامی داعیان بنهج مسطور است و خلفای راشدین رضوان‌الله علیهم اجمعین را بترتیب مذکور خلیفه علی‌التحقیق حضرت سیدالمرسلین میدانیم و شک و شبهه نداریم و از رفتن و تبرا تبرا می‌جوئیم بنحوی که جناب قدوة العلماء الأعلام شیخ‌الاسلام و افندیان عظام دولت علیه عثمانیه تصدیق مذهب جعفری کرده‌اند مقلد تقلید آن حضرت و بر این عقیده راسخ و ثابت می‌باشیم و آنچه سمت تحریر یافته محض از خلوص فؤاد و صمیم قلب است و هرگاه خلاف این عقیده از ما بظهور رسد از دین بیگانه و مورد غضب‌خداوندیگانه و سخط شاهنشاه زمانه و خدیو فرزانه باشیم.

طالبة ركا ب :

محل مهر میرزا محمد علی بن ملاشفیع نایب‌الصدارة العلیة العالیة ، محل مهر میرزا- محمد حسین بن میرزا عبدالکریم قاضی عسکر ، محل مهر آقا حسین بن آقا ابراهیم شیخ الاسلام اردوی معلی ، محل مهر میرزا بهاء‌الدین محمد شیخ‌الاسلام کرمان ، محل مهر میرزا صدرالدین محمد شیخ‌الاسلام دامغان ، محل مهر قاضی هرات ، محل مهر آقا حسین شیخ‌الاسلام سبزوار ، محل مهر شیخ‌الاسلام استرآباد ، محل مهر شیخ‌الاسلام شیروان ، محل مهر شیخ‌الاسلام طهران ، محل مهر شیخ محمد شیخ-الاسلام شیراز ، محل مهر قاضی جام ، محل مهر شیخ‌الاسلام نیشابور ، محل مهر سید محمد پیشنماز قم ، محل مهر میرزا ابوالفضل شیخ‌الاسلام قم ، محل مهر سید حسینی پیشنماز گلستان ، محل مهر آقا مرتضی شیخ‌الاسلام نائین ، محل مهر ملا رفیع شیخ‌الاسلام یزد ، محل مهر ملا نصیرا مازندرانی ، محل مهر آقا مهدی لاریجانی ، محل مهر شیخ‌الاسلام کیلان ، محل مهر آقا مسیح دهدشتی ، محل مهر

حاجی صالح شیخ الاسلام خلیفالی، محل مهر شیخ الاسلام مراغه، محل مهر سید محمد شیخ الاسلام ایروان.

طلبه ولایات :

محل مهر حاجی مهدی نایب الصدارة ارض اقدس، محل مهر میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام اصفهان، محل مهر خطیب ارض اقدس، محل مهر شیخ الاسلام سمنان، محل مهر شیخ الاسلام ارومی، محل مهر قاضی اردبیل، محل مهر میرزا هفتم خادم رضوی، محل مهر محمد علی خادم رضوی، محل مهر شیخ الاسلام شوشتر، محل مهر آقا شریف شیخ الاسلام ارض اقدس، محل مهر میرزا اسدالله شیخ الاسلام تبریز، محل مهر ملاطالب شیخ الاسلام مازندران، محل مهر شیخ الاسلام قزوین، محل مهر حاجی زکی شیخ الاسلام کرمانشاهان، محل مهر شیخ الاسلام کازرون، محل مهر میر مهدی پیشنماز اصفهان.

عقیده داعیان دولتین علیتین علمای نجف اشرف و کربلا علی و حله و توابع بغداد آنکه امام جعفر صادق رضی الله عنه ذریه رسول اکرم و ممدوح امم و طریقہ آن حضرت مرضی و مقبول و مسلم است و از قراریکه علمای ایران عرض و تحریر کرده اند و نزد داعیان تحقق یافته عقاید اسلامیة اهل ایران صحیح و فرقه مزبوره قائل بحقیقت خلفای کرام و از اهل اسلام و امت حضرت سیدالانام علیه الصلوٰة والسلام میباشد و هر کس که بآن فرقه اظهار عداوت دینی کند او از دین خدا و رسول و اکابر دین از او بیزار بوده در دارد نیامحاکمه او باسلطان عصر و در عقوبی با خداوند جبار خواهد بود. محل مهر دخیل علی قاضی کربلا، محل مهر سید نصرالله مدرس کربلا، محل مهر مهدی القنوی، محل مهر علی بن حمزه شیخ الاسلام کرکوت، محل مهر محمد بن احمد الجزایری محل مهر احمد بن درویش، محل مهر ملا محمد خطیب النجف، محل مهر عبدالله بن حسین السویدی.



عقیده اقل الدعاة علمای بخارا و بلخ اینکه عقاید صحیحۀ اسلامیۀ اهالی ایران بنحوی است که علمای فوق بیان نموده اند و این فرقه داخل اهل اسلامند و امت حضرت سیدالانام میباشند و هر کس که با این جماعت در دنیا اظهار عداوت نماید خارج از دین و محروم از شفاعت حضرت سید المرسلین ص بوده در دنیا باز خواست با پادشاه عصر و در آخرت با شهنشاه علی الاطلاق خواهد بود و اختلافی که معتقدین عقاید مسطورہ را در فروعات با ائمة مذاهب اربعه میباشند منافی و مغایر اسلام نیست و اصحاب دین اعتقاد و از اهل اسلام و دین و نهب و اسر فریقین که مسلمان و امت محمدیه و برادر دینی اند بر یکدیگر حرامست .

محل مهر محمد باقر عالم بخارا ، محل مهر میر عبدالله صدر بخارا ، محل مهر قلندرخواجه بخارا ، محل مهر شاهمخواجه بخارا .



داعیان علمای افغانۀ ابدالی و غلیجۀ سکنۀ قندهار و غیره بر این وجه کشف حجاب از چهره مطلب مینمایند که عقاید صحیحۀ اسلامیۀ بنحوی است که علمای مشہدین و حله و غیره و افاضل بلخ و بخارا و توران بیان نموده اند و هر کس که باین فرقه د . مبغضت دینی باشد از دین عاری و مستحق غضب و سخط حضرت باری و مؤاخذہ در این نشأ حواله بمحاکمۀ سلطان عصر خواهد بود .

محل مهر ملاحمزہ شیخ الاسلام افغان ، محل مهر جمشید پیشنماز افغان ، محل مهر علی مدرس افغان ، محل مهر محمد امین .



الحمد لله ، حضرت مجلس محاورۀ علماء ایران مع امراء ماوراء النهر و الافغان بامر الشہنشاہ الاعظم لوالی بغداد احمد باشا المکرم بالحضور والنظر بین الفریقین فبعد المناکره والمحاوره اتفق رأی الجميع علی ما فی هذه الویقة فشہدت علی الجميع بما قرروه والتزموه فاقول ان الفرقه الابرانیة علی ما قرروا وسمعتہ منهم مسلمون حقاً لهم ما للمسلمین وعلیہم ما علی المسلمین . محل مهر افندی یاسین مفتی بغداد .